

تبیین ویژگیهای قول ممدوح و مذموم در قرآن

فائزه عبداللهی صفی آباد¹

چکیده

سخن گفتن و ارتباط کلامی یکی از مهمترین تواناییهای بشر است. اهمیت این مسئله به قدری است که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان یک نعمت در کنار تعلیم قرآن و آفرینش انسان یاد کرده است. گفتار انسان شخصیت اوست و آدمی با کلام و لحن بیان خود میتواند احساسات، عواطف و خواستههای خود را ابراز و تجربیات و یافتههای خود را منتقل کند. علاوه بر این بسیاری از اموری که در دین به آنها تاکید شده مانند امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ دین مسائلی هستند که به ارتباط کلامی بالا نیاز دارند و برای اثرگذاری بهتر بایددها و نبایدهایی دارند که باید رعایت شوند لذا اهمیت گفتار در اینها بسیار بالاست و برای موفقیت در آنها باید بدانیم چگونه سخن بگوئیم. قرآن کریم نیز نسبت به مسئله گفتار بیا همیت نبوده و آیاتی از آن به این مسئله اختصاص دارد و به بیان چگونگی لحن و قول انسان پرداخته است. ازینرو در این تحقیق با روش توصیفی و جمعآوری اطلاعات از منابع کتابخانهای به تبیین ویژگیهای قول ممدوح و مذموم در قرآن پرداخته شده است که نتیجه آن نشان میدهد قولهای ممدوح قرآن شامل؛ قول معروف، قول سدید، قول حسن، قول بلیغ، قول میسور، قول کریم و قول لین هستن و قولهای مذموم قرآن؛ شامل قول زور، قول مختلف و قول جهر بالسوء هستند.

کلیدواژه‌ها: قول، ممدوح، مذموم

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی کردن در جامعه نیاز برقراری ارتباط با دیگران دارد مهمترین راه ارتباطی انسان از طریق زبان و با گفتار است.

¹ طلبه سطح 2 مدرسه علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، کرمان، رفسنجان. Fabdollahi868@gmail.com

نحوه استفاده از زبان و سخن گفتن بسیار مهم است در مباحث اخالقی نیز در باب زبان و سخن گفتن بحث های فراوانی وجود دارد و این نعمت الهی در کنار این که بسیار سودمند است اما اگر صحیح به کار گرفته نشود میتواند عامل خطا و مانع از برقراری ارتباط صحیح با دیگران شود به همین علت باید در به کارگیری آن دقت کافی داشته باشیم و آداب کالم صحیح را بدانیم تا علاوه بر اینکه موجبات تعامل بهتر ما با دیگران را فراهم میکند عامل سعادت ما نیز شود.

بهترین راهنمای ما در سخن گفتن قرآن کریم است که در بعضی آیات آن به انواعی از قول اشاره شده است که بسته به موقعیتهای مختلف و با مخاطبشناسی صحیح، پسندیده شمرده شده اند و برای بهتر شدن و اثرگذاری کلام باید از آنها استفاده کرد و یا بالعکس ناپسند هستند و از آنها نهی شده است.

این مقاله با هدف واکاوی قول قرآنی تکیه بر نظر مفسران سعی دارد به بررسی این دو نوع و شیوه به کارگیری آنها بپردازد.

ضرورت این بحث از آن جهت است که بسیاری از مشکلات جامعه ناشی از عدم شناخت موقعیت ها و سخن گفتن مناسب با آن موقعیت و افراد حاضر است چون هر موقعیت و هر مخاطبی قول لحن مناسب با آنرا نیاز دارد که بیشتر مواقع از این نکته غفلت میشود.

در این زمینه کتاب ها و مقالاتی از جمله:

۱. «مقاله آداب سخن گفتن» زهرا کاشانی ها
۲. «مقاله فرهنگ گفتار در قرآن» محمد حسین درایتی
۳. «آداب سخن گفتن از منظر قرآن کریم» فریبا مویدنیا
۴. «قول و احسن آن در قرآن کریم» امیر محمود کاشفی
۵. «معناشناسی توصیفی قول سدید در قرآن کریم» مرتضی سازجینی، حسین علوی مهر، سید محمود موسوی
۶. «انواع اقوال قرآنی» محمد خلیج امیری
۷. «قول در قرآن» علی نصیری

۸. «معناشناسی واژه قول با تاکید بر اوصاف آن در قرآن کریم» فریبا فروغی نسب

با مطالعه و بررسی این منابع مشخص میشود که هیچ یک از این مقالات به صورت کامل و با تکیه بر تفاسیر به بررسی واژه قول و ضرورت کاربرد آن در حل مشکلات جامعه نپرداخته اند، این مقاله سعی دارد به واکاوی واژه قول با تکیه بر تفاسیر بپردازد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- قول

به معنی کلام یا هر لفظی است که زبان آن را افشاء می کند تمام باشد یا ناقص. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴/ ۴۲)

۱-۲- ممدوح

از ریشه م د ح بر وزن مفعول است به معنی ستایش شده، مدح شده است (معین، ۱۳۸۶) در این تحقیق ترکیب قول ممدوح به معنای سخن پسندیده و مورد ستایش بکار رفته است.

۱-۳- مذموم

اسم مفعول از ماده ذم است. ذم خلاف مدح و عیب است. (طریحی، ۱۳۶۲: ۶/ ۶۷) در این تحقیق ترکیب قول مذموم بکار رفته به معنای سخن نکوهیده و ناپسند.

۲- اقوال ممدوح

برای اینکه بتوانیم از نعمت بیان و گفتار بهخوبی بهره‌مند شویم و این نعمت اثرات مثبت در زندگی ما داشته‌باشد باید باتوجه به مخاطب خود به محتوا و طریقه بیان خود بسیار دقت کنیم. در دین اسلام اهمیت زیادی به این مسئله داده شده و در قرآن کریم نیز نمونه‌هایی از سخن پسندیده آمده در اینجا به بیان آنها می‌پردازیم؛

۱-۲- قول معروف

یکی از قولهای ممدوح قرآن «قول معروف» است. معروف از ریشه «عرف» است و عرف درک کردن و دریافتن چیزی است از روی اثر آن با اندیشه و تدبیر. (خسروی حسینی، ۱۳۷۶: ۲/ ۵۸۴)

ترکیب قول معروف ۶ بار در قرآن بهکار رفته است. «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةٍ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ؛ و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند میدانست شما به یاد آنها خواهید افتاد، (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست)، ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده‌ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال)، اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده آنها سر آید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او به پرهیزید و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی‌کند)». مخاطب این آیه کسانی هستند که قصد دارند از زنانی خاستگاری کنند که همسر خود را از دست داده‌اند. توجه به زمان و حالات در طرح پیشنهاد یک اصل است. خاستگاری زن داغدار در ایام عده باصراحت بیادبی یا بیسلیقگی و نوعی گستاخی است. (قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۹۶) همانطور که در آیه پیداست، قول معروف به سخنی کنایه‌دار و اشاره‌گونه در مقابل سخن باصراحت اشاره دارد، به‌گونه‌ای که مطابق با حیا و شرع باشد.

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید.» در این آیه علاوه بر اینکه تاکید میکند اموال در اختیار سفیه قرار ندهید در ادامه می‌فرماید: «قولوا لهم معروفاً» یعنی با سخن شایسته و پسندیده با آنها سخن بگویید.

«وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ و اگر هنگام تقسیم (ارث) خویشاوندانی (که ارث نمی‌برند) وی یتیمان و مستمندان حاضر شدند، پس چیزی از آن مال به آنان روزی دهید و با آنان پسندیده سخن بگوئید.» در این آیه نیز علاوه بر کمک مالی تاکید به سخن و رفتار پسندیده با محرومان و یتیمان دارد. از آنجا که این بذل مالی جنبه کمک و صدقه دارد شاید بتوان گفت معنای قول معروف در اینجا بیشتر جنبه

منت نگذاردن و رنجیده نکردن آنها را دارد چنانچه خداوند در آیه ۲۶۳ بقره صراحتاً میفرماید: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ» (فقیر سائل را به) زبان خوش و طلب آمرزش (رد کردن) بهتر است از صدقه‌ای که پی آن آزار کنند، و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.» یعنی آبرو و شخصیت فرد فقیر بارزتر از حفظ شکم فقیر است. انفاق باید همراه با اخلاق باشد. (قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۱۷)

قول معروف نسبت به همهی انسانها مطلوب است ولی چون فرد سائل و نیازمند محروم، نیاز مبرم به رعایت مسائل عاطفیانسانی دارد در این آیه درخصوص ارتباط با نیازمندان برقول معروف تأکید شده‌است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲)

آیه ۳۲ احزاب که میفرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید. اگر تقوا پیشه اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگویید تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمع پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگویید.» آیهی دیگری است که در آن سفارش به قول معروف شده‌است که در ظاهر گرچه معنای خاص آن متوجه زنان پیامبر است اما به این معنا نیست که دربارهی دیگر زنان صدق نکند. در این آیه و آیات بعد از آن ۷ دستور به زنان پیامبر داده میشود که اولین آنها در باب عفت و حیای کلامی است «فلاتخضعن بالقول» و در پایان آیه نیز میفرماید: «قلن قولا معروفا» در حقیقت جمله لاتخضعن بالقول اشاره به کیفیت سخن گفتن و جملهی قلن قولا معروفا اشاره به محتوای سخن دارد. جملهی اخیر میتواند توضیحی برای جمله باشد مبادا کسی تصور کند که باید برخورد زنان پیامبر (ص) با مردان بیگانه، موزیانه یا دور از ادب باشد بلکه باید برخورد شایسته و مودبانه در عین حال بدون هیچگونه جنبه‌های تحریک‌آمیز داشته باشد.

۲-۲- قول سدید

یکی دیگر از انواع قولهایی که در قرآن به عنوان قول ممدوح و پسندیده آمده و به استفاده از آن تأکید شده «قول سدید» است. کلمه سدید از ماده «سداد» به معنای اصابت رای و داشتن رشاد است بنابراین قول سدید عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و یا اگر فایده دارد، فایده‌اش چون سخنچینی و امثال آن غیرمشروع نباشد. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸)

قول الزور» (ای مردم شهادت به باطل همطراز شرک با خدا است) سپس این آیه را تلاوت فرمود: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. این حدیث نیز اشاره به وسعت مفهوم این آیه است . (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۹۱/۱۴)

لذا با توجه به این معنا و عمومیت قول زور درمیابیم خدا صراحتاً انسان را از گفتن هرسخن ناحق و ناپسندی منع کرده است.

۲-۳- قول جهر بالسوء

از دیگر اقوال مذموم که خدا از آن نهی فرموده در آیه ۱۴۸ نسا است که می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستمدیده برای دفع ستم، افشای بدی های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست.» این نمونه از سخن ناپسند در قالب ترکیب وصفی همنشین قول آمده است.

جهر به معنای آشکار شدن و آشکار کردن است که در آیه به معنای دوم است. (قرشی، ۱۳۹۱، ۴۷۶/۲)

حفظ حریم و حرمت انسان‌ها در دین اسلام بسیار اهمیت دارد. همانگونه که خدا ستارالعیوب است، دوست ندارد که افراد بشر پرده دری کنند و عیوب مردم را فاش سازند و آبروی آن‌ها را ببرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۱۸۴/۴)

افشای عیوب مردم به هر نحوی باشد حرام است (قرائتی، ۱۳۸۹، ۴۲۱/۲) یعنی هر گونه گفتار و قولی در هر قالبی باشد نفرین، غیبت، تهمت درباره دیگران بگوییم امری بسیار ناپسند است و خدا دوست ندارد.

در ادامه آیه یک گروه استثنا شده‌اند و جمله : (الا من ظلم) استثنای منقطع است و معنایش بامعنای کلمه (لکن) یکی است، پس در حقیقت فرموده: (لکن من ظلم لا باس بان یجهر بالسوء من القول فیمن ظلمه و من حیث الظلم) (خدا دوست نمی دارد سخن زشت با صدای بلند گفتن را، لیکن کسی که مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته ، می تواند در مورد خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته ، سخن زشت و با صدای

بلند بگوید) و همین خود قرینه است بر اینکه چنین کسی نمی تواند هر چه از دهانش بیرون بیاید به او نسبت دهد و حتی آیه شریفه دلالت ندارد بر اینکه نمی تواند بدی های دیگر او را که ربطی به ظلمش ندارد به زبان بیاورد بلکه تنها می تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و صفات بدی از او رابه زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ۵/ ۲۰۱)

یعنی حتی موردی که استثنا شده هم حد و حدودی دارد و نباید زبان خود را به گفتن هرنوع سخنی باز کند. و در پایان آیه- همان طور که روش قرآن است- برای این که افرادی از این استثناء نیز سوء استفاده نکنند و به بهانه این که مظلوم واقع شده اند عیوب مردم را بدون جهت آشکار نسازند می فرماید: «خداوند سخنان را می شنود و از نیت آگاه است» (وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیْماً) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۴/ ۱۸۴)

۳-۳- قول مختلف

از دیگر ترکیبات همراه لفظ قول در قرآن کریم قول مختلف است که در آیه ۸ سوره ذاریات آمده است که می فرماید: «إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ؛ که شما [درباره ی قیامت] در گفتار مختلفی هستید!» قول مختلف سخن متناقضی را گویند که ابعاضش با یکدیگر ن سازد، و یکدیگر را تکذیب کنند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ۱۸/ ۵۴۹)

قول مختلف در اینجا اشاره به سخنان ضد و نقیض کافران دارد که درباره قرآن و پیامبر به زبان می آورند و همین تناقض گویی را دلیل بی پایه بودن سخنان آنان می داند زیرا همواره برای کشف مدعیان کاذب چه در مسائل قضایی چه در مسائل دیگر به سخنان ضد و نقیض آن ها استناد می شود و قرآن نیز درست بر همین مطلب تکیه می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۲۲/ ۳۲۴)

در ادامه آیه آمده است: «يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ* قَتَلَ الْخِرَاصُونَ؛ هر که از حق منصرف گشت به انحراف کشیده خواهد شد* مرگ بر دروغ پردازان.» از آنجا که حق یکی است و آنچه ثبات ندارد و مختلف است بیراهه و ناحق است پس سخن مختلف نیز عاملی برای انحراف می شود. همچنین سخن گفتن بی دلیل و بی اساس و تکیه بر حدس و گمان، زمینه ی دریافت لعنت الهی است. بنابراین، در این آیه گرچه نهی مستقیم از به کارگیری قول مختلف نیامده اما با

توجه به معنای آیه و آیات قبل و بعد آن می‌توان به ناپسند بودن گفتار ضد و نقیض پی برد و باید از آن حذر کرد.

نتیجه گیری

با بررسی آموزه‌های قرآن درباره سخن گفتن مشخص شد که نوع قول و لحن آن چه اهمیت بالایی در ارتباطات روزمره انسان دارد.

۱. بررسی‌های انجام شده در خصوص قول ممدوح نشان می‌دهد انواع قول ممدوح در قرآن به این صورت است

قول معروف: سخن باید شایسته و پسندیده باشد به گونه ای که مخاطب دچار رنجش نشود و شان او حفظ شود.

قول سدید: علاوه بر لفظ سخن باید محتوای سخن نیز محکم و استوار باشد و تقوا در کلام باید رعایت شود.

قول حسن: سخن باید نیکو باشد تا اثر مطلوب را بر دیگران بگذارد.

قول بلیغ: سخن بلیغ و رسا و سخنی که دل مخاطب آن را بفهمد بسیار موثر است.

قول کریم: سخن کریم درباره والدین به کار رفته که حتی با لحن و بیان نیز نباید به آنها بی‌احترامی کرد.

قول میسور: وقتی شخصی در حال نیازمندی سراغ انسان می‌آید گفتن سخنی که موجب آسانی مخاطب می‌شود بسیار مهم است.

قول لین: نرم سخن گفتن با مخاطب بدون ضعف نشان دادن و استواری داشتن در بسیاری امور از جمله امر به معروف بسیار اهمیت دارد.

از مجموع این‌ها برمی‌آید که در گفتار خود باید در انتخاب کلمات و لحن صحبت متناسب با مخاطب دقت کنیم تا سخن ما در جان مستمع نفوذ کند و اثرگذاری لازم را داشته باشد.

۲. سخنان مذموم قرآنی که از آن‌ها نهی شده شامل ؛

قول زور: انسان از بیان هرگونه سخن ناحق و ناپسند منع شده.

قول جهر بالسوء: سخنی که محتوای آن افشای عیب دیگران باشد در هر قالبی امری ناپسند است که خدا دوست ندارد.

قول مختلف: از گفتار ضد و نقیض و بر پایه حدس و گمان باید حذر کرد.

فهرست منابع

*قرآن

۱. آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۰هـ.ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم، بی‌نا، دوم
۲. ابن فارس، (۱۳۹۹هـ.ش)، معجم مقاییس اللغة، دارالفکر
۳. افشاری، محمدحسین، (۱۳۹۸هـ.ش)، خوش گفتاری در قرآن کریم
۴. برازش، علیرضا، (۱۳۹۶هـ.ش)، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، تهران، امیرکبیر
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰هـ.ش)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء
۶. خسروی حسینی، سیدغلامرضا، (۱۳۷۶هـ.ش)، مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران، مرتضوی
۷. دانش، محمدقدیر، (۱۳۸۷هـ.ش)، رسول خدا و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق
۸. راغب اصفهانی، (۱۴۰۴هـ.ق)، مفردات فی غریب القرآن، الکتاب، دوم
۹. رحیمی نیا، مصطفی، (۱۳۸۸هـ.ش)، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، سبحان
۱۰. شامحمدی، مهدی، مفتاح، محمدهادی، (۱۳۹۸هـ.ش)، بررسی اصل قرآنی قول حسن از منظر مفسران و تحلیل نقش آن در مدیریت تعارض‌های اجتماعی
۱۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۸هـ.ش)، تفسیر المیزان، قم، اسلامی
۱۲. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲هـ.ش)، مجمع‌البحرین، تهران، مرتضوی
۱۳. فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، (۱۴۱۵هـ.ق)، القاموس المحيط، بیروت، الکتب العلمیه
۱۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۹هـ.ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۱۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، (۱۳۹۱هـ.ش)، تفسیر احسن‌الحديث، تهران، نوید اسلام

۱۶. کلینی، محمد، (۱۴۰۷هـ.ق)، الکافی، قم، دارالحدیث، پانزدهم
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۱۱۰هـ.ق)، بحارالانوار، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، بیست و پنج
۱۸. معین، محمد، (۱۳۸۶هـ.ش)، فرهنگ معین، تهران، زرین
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۸هـ.ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه